



ابوبکر صدیق رضی اللہ عنہ غلامی داشت که کار می کرد و بخشی از درآمد روزانه اش را برای ابوبکر می آورد و ابوبکر از آن می خورد.

از عایشه رضی اللہ عنہا روایت است که می گوید: ابوبکر صدیق رضی اللہ عنہ غلامی داشت که - با دستور و رضایت ابوبکر - کار می کرد و بخشی از درآمد روزانه اش را برای ابوبکر می آورد و ابوبکر از آن می خورد - و باقیمانده ی این درآمد برای خود غلام بود. - روزی چیزی آورد و ابوبکر رضی اللہ عنہ از آن خورد. غلام به ابوبکر گفت: آیا می دانی این چیست؟ ابوبکر پرسید: چیست؟ پاسخ داد: من در جاهلیت برای شخصی پیشگویی کردم؛ البته کهانت و پیشگویی را خوب یاد نداشتم، بلکه او را فریب دادم. - امروز - مرا دید و این را که از آن خوردی، به من داد. پس ابوبکر انگشت در دهان فرو برد و هرچه خورده بود، بالا آورد.

[صحیح است] [به روایت بخاری]

ابوبکر صدیق رضی اللہ عنہ به غلام مذکور اجازه داده بود که در برابر پرداخت روزانه مبلغی معین کار کند و باقیمانده ی آن را برای خود بردارد؛ در روزی از روزها برای ابوبکر غذایی را می آورد و ابوبکر از آن می خورد؛ آنگاه به ابوبکر می گوید: آیا می دانی این چیست؟ ابوبکر می گوید: چیست؟ غلام می گوید: این دستمزد پیشگویی بود که در جاهلیت انجام داده بودم؛ با اینکه پیشگویی را خوب بلد نبودم و با فریب این کار را انجام می دادم؛ کسی که او را به این صورت فریب می دادم، امروز مرا دید و این غذا را در عوض پیشگویی آن زمان به من داد. عوض و دستمزد کهانت و پیشگویی حرام است. فرقی نمی کند کاهن و پیشگو این کار را خوب بلد باشد یا این کار را به خوبی انجام ندهد؛ چون رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم از دستمزد کاهن و پیشگو نهی کرده است. چنانکه در بخاری و مسلم روایت شده است. وقتی غلام مذکور این مساله را با ابوبکر در میان می گذارد، ابوبکر صدیق رضی اللہ عنہ دستش را در حلق خود فرو برده و آنچه خورده است فراغ می کند و از شکمش خالی می کند تا با مال حرام تغذیه نکرده باشد. چراکه دستمزد گرفتن در برابر کاری حرام، حرام است.

<https://sunnah.global/hadeeth/fa/show/6187>

